

## چرا صد روز هدر رفت؟



عبدالله باباخانی  
کارشناس انرژی

دولت چهاردهم صد روز نخست را در بخش انرژی از دست داد، زیرا هنوز دلیل مشکل ابربحران انرژی درک نشده است. در ابتدا می‌پذیریم که دکتر پزشکیان یک کشور در ابربحران انرژی را که نتیجه حکمرانی به شدت اشتباه در بخش انرژی در ۱۳ دولت قبل از خودش بوده را تحویل گرفته است.

آنچه دولت چهاردهم تحویل گرفت: کشوری با ۲۵ درصد کسری برق در تابستان، حدود ۴۰ درصد کسری گاز در زمستان، ۲۵ درصد کسری بنزین (بدون احتساب بنزین غیراستاندارد پتروشیمی‌ها) و ۶۵ درصد کسری زغال سنگ و حدود ۱۰ درصد کسری گازوئیل.

اما دولت چهاردهم برای بخش انرژی چگونه شروع کرد: ۱- ابتدا کمیته‌هایی برای تعیین وزیران بخش انرژی ایجاد کرد که به‌جز چند نفر آگاه به دانش مدیریت روز انرژی، متأسفانه اکثریت از مسیبان وضعیت موجود، یا تاجر انرژی بودند. ۲- تأکید رئیس‌جمهور بر برنامه هفتم توسعه در بخش انرژی که بر حساب شعار غیرعملی و بدون دیدن روند مسیر جهانی گذار انرژی نوشته شده است.

## مشکل کجاست؟

آقای دکتر پزشکیان صد روز را از دست دادند، زیرا گمان می‌کنند تولید کم است و یا ارزان بودن و مصرف زیاد مردم دلیل بحران است اما هنوز به اعداد و ارقام توجه نکرده‌اند که سال گذشته ۵۲ میلیارد دلار از ۱۸۰ میلیارد دلار نفت و گاز برداشت شده از زیر زمین، هدر رفته است. تاکنون به طراحی اشتباه مدیریت مصرف انرژی کشور نرسیده‌اند. اینکه چگونه باید از این مسیر مین گذاری شده خارج شوند، تفکری نکرده‌اند. هنوز صبح را با برنامه هفتم در بخش انرژی شروع می‌کنند و شب با آن می‌خوانند. غافل از اینکه آن برنامه هفتم در بخش انرژی، برنامه توسعه ایران نیست، بلکه برنامه ورشکستگی کشور در بخش انرژی و بالطبع در بخش اقتصاد است. در برنامه هفتم و در دولت چهاردهم همه دنبال مگا پروژه‌ها برای تولید بیشتر هستند اما در عین حال می‌دانند که مثلاً تولید گاز ایران هم اکنون معادل مصرف کل اروپا است اما کسی نمی‌گوید چرا کسری داریم؟ از طرفی اجرای مگا پروژه به صدها میلیارد دلار سرمایه نیاز دارد، به تکنولوژی روز دنیا و رفع همه تحریم‌ها نیاز دارد، به عضویت در سازمان FATF نیاز دارد که هیچ کدام در زمان دولت چهاردهم امکان‌پذیر نیست. آنچه در بالا گفته‌ام، وضعیت حال انرژی کشورمان است، خیلی مهم است که از زاویه دیگر، خطرات بحران انرژی در مورد آینده کشورمان را نیز با آمار و ارقام مرور کنیم:

**در سه بازار بزرگ انرژی جهان سهم ایران چقدر است؟**

نفت: در سال میلادی ۲۰۲۴ سهم بازار نفت حدود ۲۷۵۰ میلیارد دلار می‌شود که سهم صادرات آن ۱۳۳۵ میلیارد دلار خواهد بود. سهم تولید ایران در این بازار ۹۸ میلیارد دلار برآورد می‌شود و سهم صادرات ایران حدود ۳۲ میلیارد دلار است. گاز: در همین سال سهم بازار گاز حدود ۱۱۲۷ میلیارد دلار است و سهم صادرات حدود ۶۰۰ میلیارد دلار می‌شود. سهم تولید ایران حدود ۷۰ میلیارد دلار و سهم صادرات حدود ۵ میلیارد دلار می‌شود. (از طرفی ایران در این بخش برای تأمین کسری‌ها حدود ۲۴ میلیارد دلار نیاز به خرید گاز دارد).

انرژی‌های نو: حجم بازار شش‌گانه فناوری انرژی پاک خورشیدی، بادی، وسایل نقلیه الکتریکی (EVs)، باتری‌ها، دستگاه‌های الکترونیکی و پمپ‌های حرارتی اسمال از مرز ۱۲۱۹ میلیارد دلار عبور می‌کند. «سهم ایران تقریباً صفر و خیلی ترسناک است.»

در سال ۲۰۲۰ یعنی کمی بعد از برنامه هفتم توسعه ایران، سهم بازارهای انرژی جهان توسط سازمان‌های معتبر بین‌المللی اینگونه برآورد می‌شود: نفت حدود ۱۷۵۰ میلیارد دلار، گاز حدود ۱۱۰۰ میلیارد دلار، انرژی‌های نو حدود ۲۰۲۵ میلیارد دلار. عدد بازار انرژی‌های نو تا سال ۲۰۴۰ از ۴۰۰ میلیارد دلار می‌گذرد.

پرسش بزرگی که مدیران انرژی ایران (نفت، نیرو و صمت) باید پاسخگو باشند، این است که چرا از بازار ۱۲۱۹ میلیارد دلاری اسمال جهان، ما جای نداریم. قرار است در پایان برنامه هفتم که جهان به حدود ۲۰۰ میلیارد دلار می‌رسد، سهم ایران چقدر باشد؟ اگر بر حسب سرانه مردم جهان پیش برویم باید به عدد بازار ۲۰۰ میلیارد دلار برسیم. چه کسی در ایران مسئول دیدن این تغییرات بزرگ بازار انرژی جهانی است و چه فکری برای آینده ایران شده است؟

# ۱۰۰ روز بدون برنامه عملیاتی

## ارزیابی کارشناسان از کارنامه اقتصادی دولت در سه ماه اول

نظر  
خواهی

مریم رحیمی

خبرنگار اقتصادی

صد روز از برگزاری مراسم تحلیف رئیس‌جمهور می‌گذرد؛ با وجود اینکه چشم امید مردم به اقدامات اقتصادی دولت چهاردهم بود اما همچنان به نظر می‌رسد معضلات اقتصادی، کماکان ادامه دارند. درست است که دولت چهاردهم برای پیشبرد اصلاحات اقتصادی، با مشکلات و چالش‌های فراوانی مواجه است اما تا این لحظه، به گفته کارشناسان هنوز نه تنها هیچ اقدام قابل توجهی انجام نشده بلکه هیچ برنامه مشخصی در حوزه اقتصاد اعلام نشده است. مردم از گوشه و کنار می‌شنوند که دولت

قرار است ارز را تک‌نرخ‌کنند اما مجاری رسمی هیچ برنامه‌ای را اعلام نمی‌کنند. خبرهایی درباره تورم، بهبود وضعیت معیشت، یکسان‌سازی نرخ ارز، مدیریت بازار آزاد و همچنین افزایش قیمت حامل‌های انرژی هم بیشتر به حدس و گمان شبیه است تا برنامه‌های کارشناسانه که از بدنه رسمی دولت اعلام می‌شود. این یک کلاغ، چهل کلاغ‌ها هم منجر شده مردم از همیشه نگران‌تر باشند. کارشناسان هم به درستی نمی‌دانند دولت قصد دارد چه کند که دست به تشویق یا نقد آن بزنند. از سوی دیگر انتخابات ایالات متحده آمریکا هم روز سه‌شنبه برگزار شد و سایه ترامپ بر اقتصاد ایران سنگینی می‌کند. تحریم در سیاست خارجی، عدم اجماع و پایین بودن توان کارشناسی در بدنه دولت، هر یک به نحوی ظرفیت دولت برای اجرای برنامه‌های اصلاحی را با مشکل مواجه کرده‌اند.

### کامران ندری استاد اقتصاد دانشگاه امام صادق:

## غیر از بودجه اقدامی نبود

«در مسائل اقتصادی، غیر از بودجه و غیر از افزایش نرخ ارز نیامی با این هدف که نرخ دلار نیمایی به نرخ بازار نزدیک باشد، اقدام دیگری انجام نداده است. البته نرخ دلار بازار دوباره افزایش یافت و فاصله کم نشد. بودجه هم که تازه تقدیم به مجلس شده و هنوز نهایی نشده است.» عوامل ایجادکننده تورم، باید با دقت بیشتری در اقتصاد مورد توجه قرار بگیرد. یک اقتصاددان، در گفت‌وگو با روزنامه هم‌میهن معتقد است که در چند سال آینده چیزی از بخش بزرگی از جمعیت کشور که حقوق بگیر هستند باقی نمی‌ماند. کامران ندری، اقتصاددان و استاد دانشگاه، توضیح می‌دهد که دولت هرسال حقوق کارمندان را کمتر از نرخ تورم است، باید این چشم‌انداز را به مردم بدهد که در سال‌های آینده نرخ تورم را کاهش می‌دهد و میزان افزایش حقوق را بالاترین می‌کند در غیر این صورت جمعیت حقوق بگیر، به مرور زمان از دست می‌روند.

«به نظر شما دولت قصد دارد چگونه در مسیر اقتصاد گام بردارد و با توجه به اقداماتی که تاکنون نشان داده، چه برنامه‌هایی در ادامه دارد؟»  
ما نمی‌دانیم در ذهن دولت چیست؛

### علی مزبکی استادیار دانشگاه علامه طباطبایی:

## مسائل ما راهکارهای اقتصادی ندارد

«به نظر شما ۱۰۰ روز سکنداری در دولت پزشکیان چه نمره اقتصادی در کشور داشته است؟»

مسئله ما در واقع این است که مدیریت شوک‌ها در ایران به خوبی صورت نمی‌گیرد و این شوک‌ها خیلی راحت بخش‌های مختلف اقتصادی را از نرخ تورم گرفته تا ارزش پول ملی تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع مسئله این است که چه سیاست‌هایی باید اتخاذ شود تا درجه انعطاف‌پذیری اقتصاد کشور در برابر شوک‌های سیاسی بالاتر برود و اثر شوک‌ها را کوچک کند. پرسش جدی این است که چرا اقتصاد ما در برابر شوک‌های سیاسی غیرقابل انعطاف است؟ با توجه به شرایطی که اکنون در کشور ما جاری است، مجموع اقدامات اقتصادی که در دولت چهاردهم تا اینجا انجام شده، به نظر مثبت می‌رسد. در حال حاضر در بسیاری از حوزه‌ها، اصلاحاتی توان کاری کرد. مسئله اصلی ما رفع تنش بوده است که تا جایی که ما دیده‌ایم دولت پزشکیان حقیقتاً سعی کرد تنش‌ها را کاهش دهد.

«یعنی اقدامات اقتصادی مشهود نیستند؟»

رویکرد دیگری که در اقدامات دولت چهاردهم مشخص است آن است که این دولت، دولت محتاطی است و بی‌گدار به آب نمی‌زند.

واقعیت این است که حرکت به سمت آزادسازی قیمت‌ها، اقدام درستی است اما در مقطع کنونی توصیه نمی‌شود. کشور به صورت غیرمستقیم گرفتار یک جنگ فرسایشی است. تحریم‌ها و درگیری‌هایی که در منطقه وجود دارد همچنین گرفتاری‌های ناشی از تورم بالا که ناشی از جنگ نصف و نیمه ایران است، وضعیت اقتصادی را ناتراز کرده است. در همه کشورهای دنیا زمانی که کشور با چنین شرایط اضطراری و حاد مشابه شرایط زمان جنگ مواجه می‌شود از اقبال متوسط و کم‌درآمد حمایت می‌شود. حمایت‌ها به این شکل است که اجازه نمی‌دهد قیمت کالاها را بالا بیاورد و کالاهای پایه، افزایش یابد.

اگر هم قرار باشد دولتی در چنین شرایطی اجازه دهد قیمت‌ها افزایش یابد، باید حداقل‌ها را در قالب کالابریگ در اختیار همه شهروندان قرار دهد؛ به این شرط که مطمئن باشند حداقل‌های معیشتی برای خانواده‌ها تأمین می‌شود. در این شرایط، صحبت از آزادسازی قیمت‌ها و تک‌نرخ کردن، به نظر درست نیست.

«در واقع شما مخالف گفتمان متمایل به آزادسازی قیمت‌ها در دولت چهاردهم هستید؟»

بله، اگر مسئله درگیری‌ها و تحریم‌ها حل شود تا اقتصاد از این محاصره تحریمی خارج شود، می‌توان به سمت آزادسازی قیمت‌ها هم حرکت کرد. من نمی‌دانم نیت دولت چیست ولی چنین گفتمانی در حال حاضر صحیح نیست؛ البته دولت تا این لحظه، اقدام خاصی هم انجام نداده است چرا که از حذف قیمت‌گذاری دستوری لبنیات، عقب‌گرد کرد و برای ارز نیما هم افزایش آن چنانی را در دستور کار خود قرار نداد. افزایش‌های جزئی قیمت گرچه آثار ترمیمی دارد اما تا حدودی قابل

ممکن است که برخی به عنوان طرفدار یک گروه خاص یا یک جناح خاص، انتظار داشته باشند که دولت چهاردهم مثلاً قیمت‌ها را آزاد کند اما این اقدام به‌هیچ‌وجه عملیاتی نیست. زمانی که قرار است در زمین بازی اقتصاد، ملاحظاتی وجود داشته باشد؛ بنابراین اگر قرار باشد که این ملاحظات لحاظ شود، مشخص می‌شود که اقداماتی که تاکنون رخ داده منطقی‌تر از آزادسازی یکباره قیمت حامل‌های انرژی است.

مسئله ایران، تا حد زیادی از حالت اقتصادی خارج شده و کشور باید بتواند ارتباط خوبی با کشورهای غربی و کشورهای دیگر دنیا بگیرد. اکنون مهم‌ترین مسئله در کشور این است و دولت هم باید در همین جهت حرکت کند. در چنین فضای پر تنش می‌شود که در این سمت و سو می‌تواند بسیار سخت باشد ولی ما چاره‌ای جز انجام این اقدام نداریم. هر دولتی که سر کار می‌آید هم باید حتی‌الامکان تنش‌زدایی می‌کند، چرا که در حال حاضر کشور چنان درگیر تنش‌های زیاد است که این تنش‌زدایی باید حتماً انجام شود. من نمی‌دانم دولت قرار است که تا چه اندازه در محقق کردن این امر موفق عمل کند اما همین که تنش را زیاد هم نکنند، باز خوب است و به نفع کشور اقداماتی انجام شده است.

شعار رفاه و بقیه شعارهای دیگر، همگی خوب است چرا که کشور در حال حاضر دقیقاً به همین شعارها نیاز دارد اما با وجود اینکه همه می‌دانند باید آزادسازی قیمت‌ها حتماً انجام شود و توصیه کنند که دولت برای حل مسئله ناترازی باید قیمت‌ها را آزاد کند، اصلاً منطقی نیست و به جز این، اصلاً کشور توان عملیاتی کردن چنین برنامه‌هایی را هم ندارد. شوک قیمتی در اقتصاد، باعث می‌شود که مشکلات عدیده‌ای رخ دهد و مسئله اصلی اقتصاد کشور هم همین است که تنش دیگری به تنش‌های این اقتصاد بیمار اضافه نکنیم.

